

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بدانکه آدمی را بر سه چیز اطلاق میکنند یکی عقل مخصوص خیا که
آدمی در آنست و فلان کوتاه و فلان آدمی بنده فلان
و در نفس ناطقه مجزوه چنانکه گویند فلان آدمی و فلان
نفس آدمی را چهار باب است و فلان حران معیوم کتب
و عقل مخصوص خیا که گویند یا حیوان ناطق است زیرا که حیوان
از عقل است ناطق یعنی مدرك كلام است نفس ناطقه
چنانکه مشهور است زیرا که آدمی درین مقام عقل مخصوص است
چنانکه مشهور است یا حیوان ناطق از نفس ناطقه است



سازگار است و درجه تفصیل سه جز است یکی از قوی و یکی از ضعیف
چونانی از درک خبر نیاید و یک است و در بعضی خلاف قوه و در
که درک کلیات خبر نیاید است و درم از قوی و درم از ضعیف
از درک محضات میکنند و در بعضی خلاف نفس ناطقه که درک محضات
و مقولات است و سوم از قوه مدر که حیوانات درک در بعضی
در بعضی نفس ناطقه مدر که در بعضی است و نظریات و نظریات
انسانی که آن حوس و ده گاه است و درجه تفصیل آن در بعضی
یا وجهی دیگر دانست که هر یکی از حوس از درک میکند
نوعی از محوسات را و از درک نوع دیگر از محوسات
میکند عاجز و قاصر است مثلا نفس از درک نمیکند مگر محوسات را
از درک غیر اول از محوسات چون سموات و فلك و قیاسات
و شمولیات عاجز است و همچنین موهوم نمیکند غیر سموات را
معدا عاجز و قاصر است و علی هذا القیاس در بعضی حوس کلا
نفس ناطقه که در هر یک از محوسات که شقی میگردد و دردی
فهم از آنکه در نفس او باشد خون صور مقولات یا در بعضی

[illegible]

معدوم و مطلق است چنانچه بر موجود صادق است و مستلزم
نشود حصول صور معدوم است و حقوه در آنکه در نقد مری که از او
موجود است که معنی شئی است موجود مطلق است اتم از خارجی و فیزیکی
معدوم است و در ذهن نیز که معدوم مطلق مکان است چنانچه او را
وجودی برای آن دانست و بعضی فضلا گفته اند که مستلزم
نست که هیچ ذی صور با معدوم نیست بلکه موجودند در علم بسیار
و تصدیق کاذب صورت موجود است زیرا که بعد از آنکه
تصدیق نمی باشد اما بر نفسی علم تصوری با و دلیل قائم نیست
مخبر او و نزدیک عارف بقواعد حکمت پوشیده نماند و روشن
و قبی تمام است که علم مبادی و بنیاد وجود فیزیکی یا مستلزم آن
باشد چنانچه بسیاری از محققین بر آن گفته اند پس این
صحیح نیست و وجه عدم ظاهر است که شئی بر موجود مطلق
حصول صور معدوم است پس طریق که از این صور او حاصل
باشد بعد از حصول صورت موجود نخواهد بود و موجود فیزیکی
همینند محیل عبارتست از خلاف ظاهر از و چنانچه در مستلزم